

واژه‌شناسی اسامی ماه‌های شمسی ایرانی

نویسندگان:

سیمین یاری، امین یاری



به نام خداوند جان و خرد

واژه‌شناسی اسامی ماه‌های شمسی ایرانی

نویسندگان:

سیمین یاری

امین یاری



سرشناسه	: یاری، سیمین، ۱۳۶۸ -
عنوان و نام پدیدآور	: واژه‌شناسی اسامی ماه‌های شمسی ایرانی / نویسندگان سیمین یاری، امین یاری.
مشخصات نشر	: تهران: جوینده، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	: ۶۸ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۹۸۵۹۱-۳-۹
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
موضوع	: ماه‌های شمسی
موضوع	: Solar months
موضوع	: گاهنامه ایرانی
موضوع	: Calendar, Iranian
موضوع	: گاه‌شماری ایرانی -- تاریخ
موضوع	: Chronology, Iranian -- History
شناسه افزوده	: یاری، امین، ۱۳۴۲ -
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۶ و ۲ / ی / C۴۳۴
رده بندی دیویی	: ۵۴۹/۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۰۸۷۲۰۶



واژه‌شناسی اسامی ماه‌های شمسی ایرانی

نویسندگان: سیمین یاری - امین یاری

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۸۵۹۱-۳-۹

شمارگان: ۵۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۷

انتشارات جوینده: خیابان انقلاب، بین فروردین و اردیبهشت، پاساژ اندیشه طبقه همکف

واحد ۱۱ B تلفن ۶۶۴۸۷۸۳۲

قیمت: ۷۰۰۰۰ ریال

تقدیم به استاد ارجمند دکتر سجاد دهقان زاده
که در قلمرو قلم، سر بر آسمان می‌ساید و در
گستره‌ی اندیشه، پرتو افکنی می‌کند.

فهرست

۹	چکیده
۱۰	مقدمه
۱۵	فروردین ماه
۱۸	اردیبهشت ماه
۲۱	خرداد ماه
۲۳	تیر ماه
۲۵	امرداد ماه
۲۷	شهریور ماه
۲۹	مهر ماه
۳۱	آبان ماه
۳۳	آذر ماه
۴۳	آتش در متن تورات و در نزد بنی اسرائیل
۴۳	آتش نزد هندوان
۴۶	آتش نزد چینیان
۴۷	آتش نزد یونانیان
۴۷	آتش نزد رومیان
۴۷	آتش در ادبیات فارسی
۵۶	دی ماه
۵۷	بهمن ماه
۶۰	اسفند ماه
۶۳	نتیجه گیری
۶۵	منابع فارسی
۶۷	منابع انگلیسی

چکیده

این اثر، ماه‌های سال شمسی ایران را به لحاظ ریشه‌شناسی، گزارش دستوری، معنازایی و مفاهیم، با استناد به منابع معتبر، بررسی می‌کند و به سؤالات اساسی ما در آن زمینه پاسخ می‌دهد. معانی عمیق و مفاهیم ژرف این عناوین، کدامند؟ هدف نهایی کتاب حاضر، تبیین ساختمان فکری و تشریح هماهنگی نوع نگاه ملت ایران با نظام هستی در گستره‌ی تاریخ می‌باشد. در کنار هم بودن واژه شناختی و توضیح مرتب معانی ماه‌های شمسی بر پایه‌ی آثار زرتشت‌شناسان بزرگ و شارحان برجسته‌ی اوستا، وجه امتیاز این تحقیق در قیاس با تحقیقات دیگر به شمار می‌رود. با دقت در معانی این واژگان، با حجم عظیمی از اشکال زیبای روحی و ابعاد عمیق خردگرایی ملت ایران مواجه می‌شویم. تلاش، آبادی، تعالی معنوی، کمال، رویش، نیایش، روشنایی، نیرومندی، جاودانگی و دادخواهی، نتیجه‌ی غایی و وجوه مشترک مفاهیم ماه‌های شمسی را شکل می‌بخشد که در این اثر به آنها پرداخته شده است.

آیا ایرانیان براساس تقویم و تقسیم زمان، زندگی می‌کردند؟ تقویم ایام، چگونه صورت‌بندی می‌شد؟ و آیا این تقسیم و تقویم، مبتنی بر اسامی با بار معنی عمیق فرهنگ‌ساز و عقل محور بود؟ چگونه می‌توان از مفاهیم متعالی این عناصر، درس گرفت و در زندگی خود به کار بست؟ محققان داخلی و خارجی، هر یک از زاویه و از منظر ویژه، به سؤالات مذکور پاسخ داده‌اند. اکثر ایشان بر حسب ضرورت و در لابلای تألیفات خود؛ به بیان مفاهیم این عناوین و شکافتن ریشه‌های آنها، مبادرت ورزیده‌اند. مثلاً ابراهیم پورداوود و دکتر جلیل دوستخواه، چنین شیوه‌ای را پیش گرفته‌اند. دکتر جهانگیر اوشیدری در «واژه‌نامه‌ی مزدیسنا» و موبد رستم شهزادی در «واژه‌نامه‌ی پازند» به تشریح پراکنده و مختصر این اسامی، پرداخته‌اند. آرتور کریستن سن در «ایران در زمان ساسانیان» و مری بویس در «آیین زرتشت»، بر حسب مباحث و با متد خاص خویش و در صفحات مختلف کتاب‌هایشان، در توضیح این اصطلاحات، قلم زده‌اند. مهرداد بهار، در «ادیان آسیایی»، با اختصار و به اقتضای کلام، این واژگان را توضیح داده است. رحیم عفیفی، در قسمت‌هایی از کتاب «اساطیر و فرهنگ ایران» با استناد به منابع خارجی و داخلی، توضیح این واژگان را در متن کتابش گنجانده است. دکتر خان محمدی مقاله‌ای در این زمینه دارد؛ ولی وجه غالب مقاله‌ی او مقایسه ماه‌های شمسی با سایر ماه‌های نجومی، سریانی و غیره می‌باشد و به طور مفصل و مستقل به ماه‌های شمسی ایران نپرداخته‌است. شاید تنها نویسنده‌ای که توضیحات خود را تحت عنوان «برداشت»، در کنار نکات دستوری با ارجاع به آثار زبان‌شناسان بزرگ جهان درآورده است دکتر آبتین ساسانفر باشد. او نیز در صفحات مختلف کتابِ قطور خود - گاتاها - فقط به اردیبهشت، خرداد، مرداد، شهریور، بهمن و اسفند، تحت عنوان صفات و فروزه‌های اهورامزدا پرداخته است.

با تجلیل از همه‌ی پیش‌کسوتان و قلم‌زنان، باید گفت که صورت‌بندی اصولی، ارتباطِ روشمند مطالب، تبیین نکات کلیدی در شاخه‌ی ریشه‌شناختی، بیان معانی ژرف اسامی ماه‌های شمسی، برخورداری از نگاه دین‌شناختی و ارجاع به مدارک معتبر، از وجوه مشخصه‌ی این کتاب به شمار می‌روند.

نهایت و غایت این اثر، نه صرفاً گردآوری شواهد زبان‌شناختی و تبویب معانی لغوی و اصطلاحی واژگان ماه‌های شمسی، بلکه اتصاف به صفات پاک انسانی و تخلق به اخلاق اهورایی از طریق عمل به آن معانی متعالی در گستره‌ی زندگی است. باید به آن ماه‌ها، چون آیات و نشانه‌های روشن بنگریم و تعالیم متعالی را که از مطالعه‌ی آن آیات تحصیل می‌کنیم در مدرسه‌ی زندگی خود به کار ببندیم. به تعبیر کریستوفر پارتریج، فروزه‌های اهورامزدا «نه تنها موجودات آسمانی‌اند، بلکه آرمان‌هایی نیز هستند که باید غایت مطلوب درستکاران باشند. با سهیم شدن در پندار نیک و با گذرانی سرشار از اخلاص و درستکاری، مردم در حاکمیت خداوند شریک می‌شوند و به کمال و نامیرایی دست می‌یابند» (پارتریج، ۱۳۹۲: ۲۶۳).

ناگفته نماند ارجاع و استناد مکرر به تألیفات اساتیدی همچون پورداوود، ساسانفر و مری بویس، صرفاً به دلیل اعتبار علمی آثار آنان است و بس. شخصی چون ساسانفر، که خود، زرتشتی و زرتشت‌شناس می‌باشد در تألیفات تحقیقی خویش، ضمن استفاده از آرای افرادی مانند پروفیسور دوشن گیمن زبان‌شناس (فیلولوگ) و پژوهشگر دانش اوستایی و ایران‌شناسی که در محافل علمی شناخته شده و مورد احترام است به تکرار، به آثار پورداوود نیز استناد می‌جوید. خود پورداوود نیز، به وفور، از نظرات زبان‌شناسان و مستشرقین اروپایی و آرای مورخان و دانشمندان مطرحی همچون هرودت و بیرونی، استفاده می‌کند که این یک امر معمول، در قلمرو قلم می‌باشد. چنانکه پیداست روش تحقیق در این اثر، تحقیق کتابخانه‌ای است.

بر اساس رأی صائب و مهم «نیبرگ» در کتاب «ادیان ایران قدیم»، ماه زرتشتیان سی روز و هر روز به نام خدایی بود. هر سی روز ماه، به چهار دسته تقسیم می‌شد: (۱) اوهرمزدا: وهمن، اردوهشت، شهریور، سپندارمذ، خورداد، امرداد، دذو (اورمزد به معنای خالق) (۲) آذر: آبان، خور (خورشید)، ماه، تیر، گوش (هستی)، دذو (۳) مهر، سروش، رشن (دادگری)،

فروردین، وهران(پیروزی)، رام(رامش)، واذ(باد) ۴) دین(دین مزد یسن)، ارد(اشی)، اشتاذ(راستی)، اسمان(آسمان)، زامداد(زمین)، مهر سپند، انگران(انوار نامتناهی). در اصل، ماه زرتشتیان در چهار خدا تجلی پیدا می‌کرد: اورمزد، آذر، مهر و دین. (کریستن سن، ۱۳۶۷: ۱۸۰). همین تقسیم در تقویم فعلی زرتشتیان به کار برده می‌شود.

در این نوشته، ماه‌های شمسی به لحاظ ریشه‌شناسی و مفاهیم، شکافته و کاویده شده‌اند. ماه‌هایی که با آن زندگی می‌کنیم و عملاً تقویم حیات خویش را بر اساس آن استوار می‌سازیم. روشن است که ایرانیان از دیرباز و بر اساس تقویم شمسی، سال را در قالب دوازده ماه در نظر گرفته و هر ماه را به نام یکی از امشاسپندان^۱ می‌خواندند. اسامی دوازده ماه ایرانیان را چنین ذکر کرده‌اند: اورمزدماه، بهمن ماه، اردیبهشت ماه، شهریورماه، اسپندارمذ ماه، آذر ماه، خرداد ماه، مرداد ماه، آبان ماه، خور ماه، قمر ماه، تیشتر ماه^۲ (خان محمدی، ۱۳۹۰: ۱۲). دوازده ماه سال شمسی ایران دارای مبانی و معانی عمیق هستند. هر یک از این دوازده ماه، نمایانگر یکی از فرشتگان، نگهبانان و امشاسپندان می‌باشند. رویکرد به حقیقت مطلق و توجه به معنای معناها، از تعلیم و آموزه‌های اساسی مربوط به این ماه‌ها محسوب می‌شود. با مطالعه‌ی این اسامی، در می‌یابیم که عقلانیت و مدنیت، هم‌ذات‌پنداری با طبیعت، و شادی و شکوفایی، از خصایص بارز هر ایرانی پاک سرشت می‌باشد. با درک عمیق هر یک از ماه‌های سال شمسی ایران، می‌توان به کردار ستوده، گفتار سنجیده و اندیشه‌ی پسندیده‌ی ایرانیان پی برد.

با توجه به اینکه، تاریخ و زندگی مردم ایران با ماه‌های شمسی در آمیخته است، شناخت ریشه و معانی آن واژگان، اهمیت خاصی پیدا می‌کند و آن نه تنها برای ایرانیان و فارسی‌زبانان، بلکه برای آنهایی که می‌خواهند به زوایای فکری ملت ایران در پهنه‌ی تاریخ و در بستر زمان دست بیابند یک امر ضروری به نظر می‌رسد. در آیین زرتشت، شکوفایی، به عنوان یک قاعده‌ی زندگی محسوب می‌شود. تأکید بر بالندگی و شادی، می‌تواند نوعی الهام از طبیعت و خود زرتشت باشد. «خندیدن زرتشت در هنگامی که چشم به جهان

۱. ایزدان مقرب.

۲. دی‌ماه.

۳. تیرماه.

گشود و در بسیاری از نوشته‌های پهلوی و فارسی یاد شده است» (پورداوود، ۱۳۸۷: ۲/ ۱۶۱؛ ۲۱-۲۰) می‌تواند مدعای ما را به اثبات رساند.

از استاد والا منش و فرهیخته، دکتر سجاد دهقان زاده - استادیار گروه ادیان و عرفان دانشگاه شهید آیت الله مدنی تبریز - به بلندی ابدیت سپاسگزاریم. ایشان در بازپروری و بالاندن این اثر کم برگ و پرثمر، زحمات بسیاری را متحمل شدند. آرزو داریم سایه‌ی آن استاد برجسته، بر سر این فرهنگ، مستدام و گسترده باشد.

از زحمات انتشارات جوینده، خصوصاً از حُسن نیت و استقبال سرکار خانم فرانک جوینده، ممنون و قدردانیم. طبع لطیف، سلامت نفس، تلاش مشفقانه و احساس مسئولیت آن فرزانه‌ی فرهنگ دوست باعث شد تا کتاب حاضر، کمر نشر بر میان بندد و در اختیار علاقمندان قرار بگیرد. عزت روزافزون آقای علی بیجاد را که با تمام توان، با ما همکاری نمودند، از ایزد دادار خواستاریم.

سیمین یاری

امین یاری

بهمن ماه ۱۳۹۶ مشکین شهر

فروردین ماه



مؤلف «برهان قاطع»، فروردین را نام فرشته‌ای می‌داند که «خازن بهشت است و تدبیر امور و مصالحی که در این ماه و در روز فروردین (نوزدهم فروردین)، انجام می‌شود، به او تعلق دارد؛ «در این روز، پارسیان جشن سازند و عید کنند» (ابن خلف تبریزی، ذیل ماده‌ی «فروردین»).

پورداوود، که در زمینه ریشه‌شناسی واژگان زبان فارسی، از دانش و مهارت ویژه‌ای برخوردار است، در جلد اول یشت‌ها، ص ۵۸۳ می‌نویسد: «فروهر از خصایص مزدیسنا و از ارکان مهم این دین کهن است. این کلمه در اوستا، «فروشی» و در فارسی هخامنشی «فرورتی» و در پهلوی «فَرَوَهَر» ذکر شده است. امروز در ادبیات زرتشتیان آن را فروهر گویند و در فارسی، فرور و معمول‌تر آن فرورد می‌باشد. فروردین که نام عید ملی ایران و اسم نخستین ماه سال شمسی است، از ریشه همین کلمه می‌باشد. مستشرقین را در سر معنی فروشی اختلاف است. در سنت مزدیسنان این کلمه را از ریشه‌ای که شبیه به لغت ورد Vardh سانسکریت است، دانسته‌اند، به معنی گواراندن و پرورداندن؛ دسته‌ی دیگری از علما، «فروشی» را به معنی گرویدن و ایمان آوردن و یا به معنی «حمایت نمودن» و «محافظت کردن» گرفته‌اند. اما بی‌تردید «فروشی» مرکب است از فر+ور. فر یا فرا، به معنی پیش و مقدم، در سر یک دسته از لغات فارسی وجود دارد، مثل فرزانه و فرزند و فرمان. در گات‌ها، «فرا» Fra ذکر شده است، در سانسکریت «پر» Pra و در لاتینی «پرو» Pro. [ور] در فارسی جزو کلمه‌ی «باور»، است. اما درباره‌ی «ور» باید گفت که آن در خود اوستا در چندین معنا به کار رفته است: الف). به معنی «فرا گرفتن و احاطه نمودن و پوشاندن» است؛ ب). به معنی «گرویدن و ایمان آوردن». از این‌رو مناسب است که آن را به معنی حمایت نمودن و پناه دادن و یا به معنی پوشاندن و احاطه نمودن که

همان معنی پناه دادن از آن مفهوم است بدانیم. کلمه‌ی فروشی با کلمه‌ی فرشته هیچ ارتباط واژه‌شناختی ندارد، زیرا «فرشتک» پهلوی و «فرشته‌ی» فارسی، به معنی «فرستاده» است. در اوستا، یسنا ۴۹ قطعه‌ی ۸ واژه‌ی «فراشت» به معنی «پیگ و رسول و فرستاده» آمده است. پیغمبر از اهورامزدا می‌خواهد که به او آمیزش با یگانگی امشاسپند اردیبهشت(اشا) را ارزانی دارد: «ای اهورامزدا، خواهش‌ام از تو این است که: به فروشتر، نیکوترین بخشش‌ها را که: همانا رسایی و شادمانی و پیوستگی با راستی است، ارزانی داری. و همین بخشش‌ها را با شهریاری خویش از دیگر مردمان و پیروانم دریغ مدار! بشود که: در پرتو راستی و نیروی معنوی(خسترا) همه از دلداگان تو باشیم» (گات‌ها، ۴۹/۸). معین، فروردین را از لحاظ لغت، «فروردهای^۱ پاکان» معنی نموده و همچنین ماه اول سال شمسی و نام روز نوزدهم از هر ماه شمسی را برای آن ذکر می‌کند(معین، ۱۳۶۴: ماده‌ی «فروردین»). به نظر دکتر معین، فروردین دارای مضاف الیه «اشاون» به معنی پاکان بوده که حذف شده است. کلمه‌ی مرکب: «فروردین اشاون» به معنی فروردهای پاکان می‌باشد و «ین» در آخر کلمه‌ی فروردین، بیانگر پساوند نسبت نیست. (معین، ۱۳۳۲، ج ۳: ۱۴۷۶). دکتر مزداپور، نام ماه فروردین را متعلق به اهورامزدا می‌داند(مزداپور، ۱۳۶۱: ۹۱۸).

یشت ۱۳ اوستا، با عنوان «فروردین یشت» نامگذاری شده است. در اینجا فروردین، جمع "فرورد"، و نوزدهمین روز ماه و نخستین ماه سال می‌باشد. موضوع این یشت، ستایش و بزرگداشت فروشی‌های همه‌ی مردان و زنان پارسا، از کیومرث^۲ تا سوشیانت^۴ است. فروشی یا همان فروهر، نام پنجمین نیروی مینوی آفریدگار به حساب می‌آید... مرحوم دکتر بهار، دفاع و ایستادگی را به عنوان معنای فروردین احتمال می‌دهد و علت این نامگذاری را دفاع عمومی بر ضد اهریمن و اعمال دلاورانه‌ی فروشی‌ها در دفاع از خویشان و نزدیکان می‌داند(دوستخواه، ۱۳۷۹: ۱۰۲۵-۱۰۲۴).

۱. یکی از نیروهای مینوی است که به عقیده‌ی مزدیسنان پیش از پدید آمدن موجودات، وجود داشته و پس از مرگ و نابودی آنها، به عالم بالا رفته و پایدار می‌ماند.

۲. فردوسی با استفاده از مفهوم زیبایی فروردین، چنین می‌سراید:
جوان باد بخت تو در فروردین چو در فروردین ماه، روی زمین.

۳. نخستین بشر.

۴. واپسین موعود مزدابریستان.

به نظر اوشیدری، واژه‌ی فروردین در اوستا، همیشه با واژه‌ی آشَوَن Asavan^۱ همراه است. مانند فروهرهای پاکان و فروهرهای نیرومند پارسایان (اوشیدری، ۱۳۷۱: ۳۷۳). خان محمدی علت نامگذاری فروردین را چنین توضیح می‌دهد: «فروردین به معنای فروهرهای^۲ پاکان و فروهرهای ایرانیان است. بنا به عقیده‌ی پیشینیان، ده روز پیش از آغاز هر سال، فروهر درگذشتگان که با روان و وجدان از تن جدا گشته برای سرکشی خانمان دیرین خود از آسمان فرود می‌آیند و ده شبانه روز روی زمین به سر می‌برند چنین است که به مناسبت فرود آمدن فروهرهای نیکان، هنگام نوروز را جشن فروردین یا فروردینگان^۳ خوانده‌اند. فروهرانِ موصوف [فروهرهای پاکان] در بامداد نوروز پیش از برآمدن آفتاب به دنیای دیگر می‌روند» (خان محمدی، ۱۳۹۰: ۱۴).

مسعود سعد در وصف فروردین، چنین می‌سراید:

فروردین است و روز فروردین	شادی و طرب را کند تلقین
ای دو لب تو، چون می‌مرا ده	کان باشد رسم روز فروردین

۱. پاکان.

۲. ارواح.

۳. (با «ان» نسبت).